



مدرسه الف

از سال ۱۳۲۴ تاکنون

دیداری از مدارس سده لنجان

روز سه‌شنبه اول مهر ۱۳۹۳ در مراسم آغاز سال تحصیلی جدید در مدرسه الف سده لنجان شرکت کردم. برای چندمین سال بود که در مراسم شروع سال تحصیلی این مدرسه - که محل تحصیلم بوده است - شرکت می‌کردم و از آن لذت می‌بردم. در این نوشته به مقایسه وضعیت این دبستان در سال تأسیس (۱۳۲۴) با وضعیت آن در سال ۱۳۹۳ می‌پردازم.

اسفندیار معتمدی

سده لنجان کجاست؟

سده لنجان از روستاهای قدیمی شهرستان لنجان است. سده در سال ۱۳۶۲ عنوان شهر یافت و تحول آن آغاز شد. این شهر در ۴۲ کیلومتری جنوب غربی شهر اصفهان و در جنوب زاینده رود مقابل کارخانه ذوب آهن قرار دارد. این روستا در سال ۱۳۲۴، پس از ۱۷ سال نامه‌نویسی‌های مرحوم حاجی یدالله فهیم و دیگران به اداره فرهنگ (آموزش و پرورش) اصفهان، دارای یک مدرسه ۴ کلاسه ابتدایی شد؛ مدرسه‌ای که در دو سه سال اول در یک خانه اجاره‌ای دایر شد تا آنکه سرانجام ۶ نفر خیر مدرسه‌ساز زمین و ساختمان نوسازی را خریدند و در اختیار مدرسه گذاشتند.

مدرسه الف در سال ۱۳۲۴

۱. زمین و ساختمان. زمین مدرسه حدود ۴۰۰ متر مربع بود و تنها دو اتاق داشت که آن هم گچ‌کاری نشده و دیوارها کاه‌گلی بود و در سقف اتاق‌ها تیر و تخته نمایان بود. همه ۴۰۰ نفر دانش‌آموز مدرسه در ۴ پایه و در یکی از این دو اتاق درس می‌خواندند. تجهیزات آن روز مدرسه علاوه بر ده نیمکت، که جلو نداشتند، یک تخته سیاه بود و یک بخاری هیزمی که در زمستان همیشه دود می‌کرد و دودکش هم که نداشت! بنابراین در کلاس را باز می‌گذاشتند تا دودها خارج شود. آب خوردن و دستشویی هم که مشکل همیشگی مدرسه بود، باید از جوی کنار ده آب می‌آوردند. که فاصله زیاد بود و کار

را مشکل می‌کرد؛ تازه چه آبی!!!! و اما امروز! زمین مدرسه وسعت یافته (۱۳۵۰ متر مربع) و به جای ساختمان خشت و گلی و تیر و تخته‌ای آن سال‌ها ساختمانی با آجر و سیمان و سنگ و آهن در دو طبقه بر پا شده است. کلاس‌ها و هر کلاس مجهز به میز و نیمکت و تابلو و وسایل گرمایش و جایی برای نقشه‌ها و مدل‌ها و کتاب‌ها است. دیدم که مدرسه دارای کتابخانه، آزمایشگاه، میدان ورزش، آب لوله‌کشی، برق و گاز و تلفن شده بود و دیوارهای مدرسه را با آجر سه‌سانتی و سنگ پوشانده بودند. ۲. در سال ۱۳۲۴ کمتر دانش‌آموزی بود که لباس و کفش مرتب داشته باشد. در کل مدرسه چهار یا پنج نفر بودند که چنته (یک جعبه در دار حلبی) داشتند؛

بقیه معمولاً کتاب و دفتر و قلم خود را در یک کیف کرباسی به مدرسه می‌آوردند. آن سال‌ها، مدرسه از ساعت ۸/۵ تا ۱۱/۵ صبح و دوباره از ۲/۵ تا ۴/۵ بعدازظهر باز و کلاس‌های درس دایر بود. بچه‌ها برای ناهار به منزل می‌رفتند. هر دانش‌آموز بدون خستگی و گرسنگی حداقل ۵ ساعت تمام در مدرسه بود و آموزش می‌دید. بعدازظهر پنج‌شنبه مدرسه تعطیل بود.

خوراکی میان روز بچه‌ها اغلب یک قطعه نان خالی بود و یا کمی گندم ششاهدانه یا برنجک که در ساعت تفریح می‌خوردند. نظافت بچه‌ها خوب نبود. در مدرسه چند نفر کچل بودند و تعدادی هم چشم‌درد داشتند. آن زمان پزشک در ده نداشتیم و بیماری و مرگ‌ومیر هم فراوان بود. بچه‌ها کم حمام می‌رفتند و از نظافت چندان خبری نبود. البته مدیر مدرسه هر صبح شنبه نظافت بچه‌ها را می‌دید و نمی‌گذاشت که موی سر یا ناخن آن‌ها بلند باشد. از راه همین توجه مدرسه به نظافت بود که، به مرور زمان، بهداشت وارد خانه‌ها شد. مدرسه‌ها تحول آفریدند! اما در ۱۳۹۳، دیدن دختر بچه‌ها برایم بسیار لذت‌بخش بود. همه بچه‌ها لباس فرم به رنگ سفید داشتند، کیف‌هایشان از نوع کیف پشتی به رنگ بنفش بود با گل‌هایی بر روی آن‌ها. معلوم بود که کیف‌ها پر از خوراکی‌های رنگارنگ و میوه و شیرینی است. گفتند تغذیه رایگان هم برقرار می‌شود: شیر و موز و پسته! سر و صورت بچه‌ها تمیز و مرتب و کفش و لباسشان نو و یکسان بود. بچه‌ها پیش از شروع کار مدرسه از نظر بدنی معاینه شده بودند و برای هر یک از آن‌ها پرونده‌ای تشکیل شده بود.

این مدرسه اکنون دو نوبته است. یک نوبت برای پسران به نام «دبستان نوید» و یک نوبت برای دختران به نام «دبستان مریم». نوبت صبح از ۸ تا ۱۲/۵ و نوبت عصر از ۱۳ تا ۱۷/۵ است؛ یک هفته صبح برای پسرها و بعد از ظهر برای دختران و هفته بعد برعکس. روزهای پنج‌شنبه مدرسه تعطیل است. اغلب بچه‌هایی که من دیدم از کودکان دبستان و پیش‌دبستان به مدرسه آمده و تا اندازه‌ای با دبستان آشنا بودند.

۳. معلمان: نخستین معلمان در آن زمان علاوه بر درس دادن مسئولیت جذب کودکان به مدرسه را هم داشتند، زیرا اغلب خانواده‌ها نیاز به تحصیل کودکانشان را احساس نمی‌کردند و آن‌ها را برای کار به مزرعه می‌بردند، به ویژه در هنگام کاشت برنج (لنجان) در بهار، و برداشت آن در پاییز؛ یعنی اول و آخر سال تحصیلی! معلمانی که از شهر به روستا آمده و در روستا ساکن شده و با مردم زندگی می‌کردند، مشوق خانواده‌ها به فرستادن فرزندانشان به مدرسه و مشوق کودکان به ماندن و تحصیل در دبستان می‌شدند. در همین مدرسه سده می‌توانم معلمانی را نام ببرم که از همان ۹۶ تومان یا بعدها ۱۵۰ تومان حقوق ماهانه خود، به دانش‌آموزان فقیر کمک مالی می‌کردند تا آن‌ها زندگی و تحصیل کنند. از همان محصلین فقیر نیز می‌توانم کسانی را نام ببرم که امروز زندگی و تحصیل خود را مدیون همان معلمان می‌دانند و داستان‌ها از گذشت و فداکاری آن‌ها می‌گویند. این را باید مرهون کار و رفتار همان معلمانی دانست که در دانش‌سراهای مقدماتی و عالی تحت‌نظر بهترین مدرسان درس علم و ادب و خدمت آموختند و بدون انتظار مزد و پاداش در شهر و روستا خدمت کردند.

در ۱۳۹۳ مدرسه دخترانه دارای مدیر (خانم زهرا مهدیان)، معاون (خانم زینت خلیلی)، مربی بهداشت، معاون اجرایی و برای هر کلاس آموزگار جداگانه بود. تحصیلات مدیر مدرسه فوق لیسانس بود و بسیاری از آموزگاران لیسانس داشتند. اغلب افراد نسبت به کار معلمان کنونی و وظیفه‌شناسی آن‌ها در مقایسه با معلمان گذشته اظهار نظر و بعضاً گله می‌کنند. اما هیچ پژوهش رسمی نشان نمی‌دهد که احساس مسئولیت این معلمان نسبت به گذشته کمتر باشد. اگر معلمان دیروز فقط در شروع کار، آموزش معلمی می‌دیدند، معلمان امروز دائماً نوسازی می‌شوند و آموزش ضمن خدمت دارند. در سمینار و همایش و کنفرانس شرکت می‌کنند و با پیشرفت‌های روز آشنا می‌شوند و انتظار جامعه از آن‌ها

بسیار بیشتر نسبت به گذشته است.

۴. پدران و مادران دانش‌آموزان. در سال ۱۳۲۴، روزی که مدرسه ما در سده لنجان تأسیس شد بالاترین درجه تحصیلی را معلم ما داشت. اکثر اولیا بی‌سواد بودند. فقط چند نفری به یمن وجود مکتب‌داران سده مرحومان ملا محمد، ملافتح‌الله و آقا حسن صدری خواندن و نوشتن می‌دانستند. اغلب خانواده‌ها وضع مالی خوبی نداشتند. درآمد کل روستائیان همان درآمد حاصل از برداشت محصول بود که آن‌ها برای جمعیت ده نبود و ...

اما روز اول مهر ۱۳۹۳، مادرانی که، فرزندان خود را همراهی کرده و به مدرسه آورده بودند اکثراً با تلفن‌های همراه خود عکس می‌گرفتند. بعضی‌ها را می‌شناختم که تحصیلاتی اغلب بالاتر از معلمان مدرسه داشتند. بیشتر پدران دانش‌آموزان در صنایع ذوب‌آهن، فولاد مبارکه و صنایع نظامی کار می‌کنند. حقوق و مزایای بیشتری نسبت به معلمان دارند.

هر یک از این پدران و مادران توان آن را دارند که به مدرسه کمک کنند و نیازهای مالی و معنوی آن را برطرف نمایند. اغلب هم‌چنین می‌کنند و با مدرسه همکاری دارند. از جمله در همان‌روز گشایش مدرسه، آقای غلام‌فره‌مند رئیس انجمن اولیا و مربیان را دیدم که در برگزاری مراسم مشارکت فعال داشت، که کاری ارزشمند است...

۵. برنامه مدرسه. در طول ۷۰ سال گذشته برنامه‌ها و مواد آموزشی تحول و تغییر بسیار یافته است. در سالی که من پایه اول دبستان بودم تعداد درس‌ها و کتاب‌ها کم بود. مهم‌ترین هدف دبستان آموزش خواندن و نوشتن و شرعیات و کمی ریاضیات بود. اکنون در دبستان‌ها درس هنر، علوم تجربی، دین و اخلاق، قرآن، فارسی، ریاضی و ... آموزش داده می‌شود و هر یک از این درس‌ها دارای کتاب مستقل هستند. علاوه بر آن انواع مجله‌ها در اختیار دانش‌آموز و معلم قرار دارد. وسایل کمک‌آموزشی و کارگاهی و آزمایشگاهی، انواع وسایل دیداری و شنیداری چون رادیو، تلویزیون، سی‌دی، کامپیوتر، اینترنت و .. در اختیار

دانش‌آموزان است.

دیگر اینکه، معلمان، دانش‌آموزان را با مسائل زیست محیطی آشنا می‌کنند و راه‌های صرفه‌جویی، بهینه مصرف نمودن و استفاده از پسماند را به آن‌ها نشان می‌دهند. روش آموزش امروزه، گفتن و شنیدن نیست بلکه عمل کردن و یاد گرفتن است. گروه کارشناسان و مشاوران دائماً اندیشه‌های جدید را بررسی می‌کنند و در راه غنی‌سازی مدرسه می‌کوشند. اصطلاحات «دانش‌آموز محور»، «مدرسه محور»، «مدیریت آموزشی»، «مهارت‌های یادگیری»، «مهارت‌های زندگی» و ده‌ها واژه و اصطلاح جدید که هر روز بر شمار آن‌ها افزوده می‌شود در کار و برنامه مدارس مؤثر است.

در سال ۱۳۴۵ نظام آموزشی کشور، به دنبال تحولات آموزشی جهانی، یک بار به‌طور کلی بر پایه مطالعات مفصل تحول اساسی یافت دو دوره تحصیلی ابتدایی و متوسطه به سه دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تبدیل شد و به علوم و ریاضی در دوره ابتدایی بیش از پیش بها داده شد. اخیراً، در سال ۱۳۸۹، نیز یکباره نظام آموزشی تغییر کرده و البته نه بر اساس پایه‌های پژوهشی دقیق و پیش‌بینی‌های لازم. در نتیجه، مسئولین با تصمیمات شتابزده با مشکلاتی چون کمبود معلم آموزش دیده و معلمان بیکار شده روبه‌رو شده‌اند که امید است در حل آن‌ها موفق شوند. البته مشکلات تغییر نظام منحصر به این دو مشکل نبود و تغییرات بجا و نابجای فراوان داشت که مشکلات بسیاری به همراه آورد.

۶. مواد آموزشی. منظور از مواد آموزشی انواع وسائل دیداری و شنیداری و آزمایشگاهی و کارگاهی است که با استفاده از آن‌ها یادگیری صورت می‌گیرد. در سال ۱۳۲۴ وسائل آموزشی ما عبارت از کتاب درسی و مداد و کاغذ و قلم و دوات بود. در کلاس تخته سیاه با گچ سفید را هم داشتیم. اما نه کتابخانه داشتیم و نه پیک و رشد و نه انواع خواندنی‌های دیگر.

در سال ۱۳۹۳ کیف پستی دانش‌آموزان. بسیار سنگین و پر از انواع وسایل آموزشی است. وسایل نوشتنی شامل انواع مداد،

خودکار، خودنویس، روان‌نویس، ماژیک در رنگ‌های گوناگون و مداد پاک‌کن. انواع خواندنی و نوشتنی شامل کتاب درسی، کتاب حل و تمرین، مجله رشد، کتاب آزمایشگاه، دفتر نقاشی، دفتر خط، دفتر تمرین و کتاب‌های داستان و تابلت با انواع سی‌دی و دی‌وی‌دی و فلش مموری!

۷. امتحان و ارزشیابی. تا همین چند سال پیش نمره مهم‌ترین ملاک ارزیابی آموزش در مدارس ابتدایی بود. بچه‌ها چه تشویق‌ها و تنبیه‌هایی که از راه نمره نمی‌شدند.

خوشبختانه، برای رفع آن مشکلات، اکنون ارزشیابی کیفی و مستمر جای امتحان ثلث و نیم‌سال و پایان سال را گرفته و میزان پیشرفت دانش‌آموز را با واژه‌ها و جمله‌هایی مشخص می‌کنند و کوشش بر این است که دانش‌آموز با وضع قبلی خود مقایسه شود. البته، بعضی اعلام می‌کنند که این ارزشیابی نتوانسته معرف میزان پیشرفت دانش‌آموزان و مشوق فعالیت آنان باشد که قابل بحث است.

۸. مؤسسات آموزشی. در ۱۳۲۴ در روستای سده لنجان همان یک باب دبستان چهار کلاسه، با یک معلم و یک باب مکتب وجود داشت ولی امروز، در ۱۳۹۳، شهر سده لنجان دارای ۱۵ مدرسه و حدود ۳۵۰ نفر آموزگار و مدیر و یک دانشگاه با متجاوز از ۲۰۰۰ دانشجو در مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد، در حدود ۲۰ رشته تحصیلی و یک‌صد نفر استاد است و مسئولین دانشگاه می‌کوشند تا دوره دکترا نیز، در برخی از رشته‌ها، دایر کنند. البته تأسیس همان دبستان چهار کلاسه آغازگر تحول فرهنگی، بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی در روستا بود به‌طوری که پس از چهار دهه، در سال ۱۳۶۲ روستای سده لنجان به شهر سده لنجان تبدیل شد و در آن تأسیسات شهری به وجود آمده و بالاتر از آن، مردمی پرورش یافته‌اند که عشق به آبادی و پیشرفت وجودشان را فرا گرفته و در راه بهبود شرایط زندگی و سرافرازی خود و شهر و جامعه با روحیه بسیار خوب

و تلاش فراوان می‌کوشند.

دبستان الفت چهار کلاسه سده، نخستین آموزشگاه ورزشکارانی چون «رشید شریفی» است که پرچم پرافتخار ایران را در میدان‌های ورزشی جهان به اهتزاز درآوردند. همچنین، مردانی در این دبستان تحصیل کردند که کارآفرین و فرهنگ‌ساز شدند و نام شهر خود را بلندآوازه کردند.

به برکت دبستان ۴ کلاسه الفت و معلمان و مدیران دلسوز آن از جمله عطائی، زندی، شیرانی، ملکی، شاه سیاه، صمیمی، شریفی، معتمدی، براتی، فتاحی، صالحی، اشراقی و ... پایه‌ای از دانش و بینش در کودکان این شهر به‌وجود آمد که پس از گذراندن دوره‌های تحصیلی بالاتر خود پایه‌گذار مراکز، مؤسسات و نهادهای آموزشی، پژوهشی، ورزشی و تولیدی شدند و در هر جا که قرار گرفتند امید آفریدند و اندیشه‌ساز و آبادگر شدند. آن‌ها از روستای خود شهری ساختند که دارای دانشگاه، کارخانه، پارک علم و فناوری و گردشگاه و ناظم‌سرا شد. «ناظم سرا»، سائیتی است به مدیریت مسعود ناظم رعایا، که هر روز هزاران بیننده دارد و در آن مردان و زنانی قلم می‌زنند و نظرات سازنده خود را اعلام می‌کنند که معرف اندیشه و خرد عمیق آن‌هاست. خواندن مقالات شریفی، ادیبی، براتی، فتاحی، البندی، ... و شعر ناظم، امامی، دری و براتی و ... خبر از روزهای بهتری می‌دهد که روشن است و امیدبخش و این آغاز راهی است به سوی دنیای بهتری که ساخته خواهد شد و در آن «آزاده به کام دل رسیدی آسان»

در سال ۱۳۸۸ به مناسبت شصت و پنجمین سال تأسیس مدرسه الفت و بزرگداشت معلمین و فارغ‌التحصیلان آن جشن باشکوهی برپا شد. این جانب که مسئولیت اتحادیه معلمان فیزیک کشور را برعهده داشتم همایش فیزیک کشوری را در آنجا برگزار کردم که در آن حدود یک‌هزار نفر از معلمان و دانش‌جویان و دانش‌آموزان منطقه شرکت یا فعالیت داشتند.